

آسیب شناسی نظام حقوقی حاکم بر تبعیض مثبت در بهره مندی معلولان از معافیت های مربوط به امور مالی در محاکم قضایی ایران و ارائه الگوی مطلوب

مسعود حسن آبادی

دانش آموخته دکترای حقوق عمومی دانشگاه تهران

چکیده:

یکی از مباحث مهم در طرح پرونده های حقوقی در محاکم قضایی، موضوع پرداخت هزینه دادرسی است که نسبت به میزان بهای خواسته، متفاوت می باشد. از سوی دیگر، معافیت برخی گروه های جامعه از پرداخت هزینه دادرسی نیز به عنوان تبعیض مثبت، مورد توجه مقنن بوده است. معلولان نیز به عنوان گروهی از مددجویان بهزیستی، از پرداخت هزینه دادرسی با وجود برخی شرایط معاف می باشند. به دنبال آسیب شناسی قوانین فعلی، پژوهشهای صورت گرفته نشان داد قوانین مربوطه فعلی دارای ایراداتی از جمله وجود شرط مستمری بگیری برای معافیت معلولان از پرداخت هزینه دادرسی، عدم برخورداری آنها صرفاً به دلیل معلولیت از تخفیف یا معافیت از پرداخت هزینه های کارشناسی، مشاوره و... و همچنین عدم برخورداری معلولان از پرداخت هزینه های داورى بوده که هدف مقنن را محقق نمیسازد و نوعی تبعیض ناروا در این زمینه ایجاد شده است. لذا پیشنهاداتی جهت اصلاح قوانین موجود از جمله استناد به نظر کارشناسی بهزیستیدر زمینه استحقاق فرد نسبت به معافیت، معافیت معلولان از هزینه های مرتبط با دعاوی، در نظر گرفتن معافیت یا تخفیف در حق الزحمه داورى برای آنها مطرح می باشد.

واژگان کلیدی: نظام قضایی، افراد دارای معلولیت، هزینه دادرسی، معافیت.

مقدمه:

در هر نظام حقوقی، نهاد یا نهادهایی جهت احقاق حقوق افراد جامعه و تضمین حقوق آنها وجود داشته که پشتیبان اشخاص بوده و وظیفه حمایت از حقوق افراد را به عهده دارد. در کشور ما نیز نظام قضایی و دادگستری و نهادهای وابسته ای مانند شوراهای حل اختلاف، به همین منظور تشکیل شده و وظیفه دادرسی و احقاق حقوق مردم را در جامعه به عهده دارند. یکی از بزرگترین اقشار جامعه، افراد دارای معلولیت هستند که به عنوان یکی از گروه های مددجوی بهزیستی، در کنار سایر افراد اجتماع، دارای حقوق و مزایایی بوده و چنانچه اشخاص خصوصی یا عمومی با انجام و یا عدم انجام اقداماتی باعث تضییع حقوق این اشخاص شوند میتوانند به مراجع قضایی عمومی یا اختصاصی مراجعه کرده و مانند سایرین، به طرح دعوا و احقاق حقوق خود بپردازد. یکی از اقدامات لازم جهت طرح دعوا در مراجع قضایی، پرداخت هزینه دادرسی میباشد که بسته به میزان خواسته متفاوت بوده و باید در بدو امر برای ثبت دادخواست، توسط مدعی، پرداخت شود. البته در برخی از موارد، برخی از افراد، توان پرداخت این مبلغ را نداشته که میتواند با طرح دعوای اعسار از پرداخت هزینه دادرسی، از پرداخت آن معاف موقتاً یا کلاً گردد. در همین راستا و در جهت حمایت از افراد دارای معلولیت در زمینه مالی، مانند معافیت از هزینه دادرسی در نظام قضایی ایران، حمایتهایی به عنوان تبعیض مثبت^۱ از افراد دارای معلولیت در نظر گرفته شده است. البته این حمایتها، دارای نقایص و ایراداتی بوده که باید با اصلاح قوانین مربوطه، به رفع آنها پرداخته شود. سؤالی که در این نوشته به دنبال آن هستیم آن است که ایجاد وضعیت مطلوب حمایت از معلولان در قالب در نظر گرفتن معافیتهای مالی برای آنها در مراجع دادرسی قضایی در ایران نیاز به چه اقداماتی دارد؟

به نظر میرسد با اصلاح قوانین مربوط به معافیت از پرداخت هزینه دادرسی برای معلولان و ارائه ایجاد سازوکار کارشناسی شده و واقعی جهت معافیت این افراد از هزینه دادرسی، میتوان عدالت واقعی را در جامعه ایجاد نمود و وضعیت موجود را از برابری، به انصاف یا همان عدالت واقعی، ارتقاء داد و البته از ایجاد تبعیض های ناروا نیز جلوگیری نمود. پژوهشهای متعددی در زمینه هزینه دادرسی و معافیت از آن انجام شده ولی نسبت به معافیت معلولان از پرداخت هزینه دادرسی آسیب شناسی لازم صورت نگرفته است. با توجه به نواقص و خلأهایی که در زمینه معافیت افراد معلول از هزینه دادرسی وجود دارد و آسیبهای ناشی از آن، ضرورت دانسته شد تا وضعیت کنونی معافیت معلولان از پرداخت هزینه دادرسی و سایر هزینه های مربوطه و مطلوب سازی آن مورد بررسی و ارزیابی قرار بگیرد.

گفتار اول: مبنای معافیت معلولان از پرداخت هزینه دادرسی

به طور کلی بحث در باره دادن امتیازات و در نظر گرفتن مزایا برای افرادی که دارای شرایط خاص هستند از جمله افراد دارای معلولیت مورد پذیرش صاحب نظران و حتی بنا بر قاعده عقلی مورد قبول عموم مردم نیز بوده است. ولی آنچه مورد بحث و بررسی قرار میگیرد چرایی اعطای این مزایا به این افراد است. به عبارت دیگر مبنای اعطای مزایا و یا در نظر گرفتن تسهیلات برای افرادی که دارای شرایط خاص هستند باید مورد بحث و بررسی قرار گیرد. مهمترین مبنا و دلیل در نظر گرفتن امتیازات ویژه و اعمال تبعیضات مثبت نسبت به این افراد لزوم رعایت قاعده انصاف است. منظور از قاعده انصاف آن است که با همه افرادی که دارای شرایط یکسانی با یکدیگر نیستند به یک شیوه رفتار نگردیده و به یک میزان مستحق حقوق و مزایا نگردند. به عبارت دیگر منظور از انصاف رفتار برابر با افراد برابر و رفتار نابرابر با افراد نابرابر است. همین مؤلفه یعنی امکان ایجاد تبعیض مثبت یا تبعیض روا، اثربخشی و معقول بودن این قاعده را نسبت به اصل تساوی توجیه می نماید. در قاعده تساوی، باید با همه افراد به یک شیوه رفتار نمود و چه بسا اجرای قاعده تساوی در اعمال حمایت از افراد، باعث ایجاد ناعدالتی در جامعه گردد چراکه حمایت

^۱- تبعیض مثبت به گروهی از ساختارها، چارچوبها و دستورالعملهای قانونی و اشکال اجرایی و عملی آنها اطلاق می شود که میتوانند به طور دائم یا در دوره هایی خاص به کار گرفته شوند تا یک گروه اجتماعی، سیاسی، دینی، جنسیتی و ... ویژه را از موقعیتی نامطلوب نسبت به کل جامعه مربوطه خارج کند و به صورتی شتاب یافته، امکانات رشد و شکوفایی بیشتری به آن گروه بدهند. (فکوهی، ۱۳۹۴)

از افرادی که بینباز هستند دقیقا به میزان حمایت از افراد نیازمند چه بسا نابرابری را در جامعه افزایش میدهد. بنابراین آنچه باید مد نظر قرار گیرد تا به کاهش نابرابری منجر شود اقدامات نابرابر میباشد. البته اعمال اصل تساوی در ایجاد بهره مندی افراد از حقوق کاربرد دارد و کلیه افراد اعم از افراد دارای معلولیت و افراد فاقد معلولیت باید در بهره مندی از حقوق شهروندی خود به صورت برابر در برابر قانون قرار گیرند.

بر همین اساس بند ۴ ماده ۵ کنوانسیون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت تدابیر لازم برای دستیابی افراد دارای معلولیت به برابری عملی را تبعیض ندانسته و آن اقدامات را به عنوان تبعیضات مثبت یا روا مورد پذیرش قرار داده است و در بند ۱ ماده ۴ کنوانسیون اخیر الذکر نیز کشورهای عضو را مکلف به وضع قوانین داخلی در راستای حمایت از افراد دارای معلولیت نموده است و با توجه به اطلاق واژه (حمایت) در این بند، کلیه حمایتها، مشمول آن میگردد.

گفتار دوم: حمایت‌ها و معافیت‌های مالی معلولان در نظام قضایی ایران

یکی از نکات مهم در طرح دعوی حقوقی در دادگستری، پرداخت هزینه دادرسی بوده که به نسبت میزان بهای خواسته متفاوت است. این مساله باعث میشود برخی افراد به دلیل نداشتن تمکن مالی از طرح دعوا و پیگیری قضایی، جهت دستیابی به حقوق تضییع شده خود چشم پوشی کنند و همین امر باعث متضرر شدن این افراد در جامع اسلامی گردد و حقوق مکتسبه آنها صرفا به دلیل عدم تمکن مالی تضییع گردد. به علاوه اینکه وضعیت مذکور، با اصل ۳۴ قانون اساسی^۲ که دادخواهی را حق مسلم هر فرد دانسته است مغایرت و مخالفت صریح دارد. البته به این موضوع که باید برای طرح دعوی در دادگاه ها مبالغ سنگینی تحت عنوان هزینه دادرسی پرداخته شود و گاهی نیز به سبب نقص ماهوی یا شکلی و ناچیز، قرار رد یا بطلان دعوا صادر شده و مبالغ پرداختی نیز به طور کلی رد گردیده و برای طرح مجدد پرونده، باید مجددا هزینه دادرسی پرداخت گردد، انتقادات جدی وارد میباشد و در مواقعی با عدالت و اخلاق نیز منافات پیدا مینماید تا حدی که برخی محققین قائل بر عدم مشورعت اخذ هزینه دادرسی هستند (زرگوش نسب و همکاران، ۱۴۰۲) که پرداختن به آن را به دلیل مقتضیات موضوعی، به جای دیگری موکول مینماییم. در این نوشته، صرفا بر آنیم که نظام حقوقی حاکم بر معافیت معلولان از پرداخت هزینه دادرسی را مورد نقد و بررسی قرار دهیم. مقنن بر اساس معیارهای شکلی و سازمانی، افراد تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی و صرفا برخی از مددجویان بهزیستی را از پرداخت هزینه دادرسی معاف دانسته و طرح دادخواست توسط آنها را مستلزم پرداخت هزینه دادرسی ندانسته است. از آنجا که افراد دارای معلولیت به دلایلی مانند بیکاری ناشی از معلولیت و یا پرداخت هزینه های ناشی از آن به صورت مستقیم و غیر مستقیم، مجبور به پرداخت هزینه های بیشتری نسبت به افراد فاقد معلولیت هستند و دولت نیز مکلف است به طرق مختلف هزینه های تحمیل شده این افراد را جبران نماید در برخی موارد قوانینی حمایتی وضع شده یا میشود تا به نحوی هزینه های مذکور جبران شوند. بر همین مبنا، در زمینه قضایی نیز قوانینی طبق قاعده تبعیض مثبت وضع شده که برخی از مددجویان بهزیستی و از جمله آنها معلولان را با داشتن شرایطی از پرداخت هزینه دادرسی معاف دانسته است. در این قسمت به تحلیل و بررسی برخی مواد مذکور به عنوان وضعیت کنونی، به طور مختصر پرداخته و پیشنهاداتی نیز به عنوان الگوی مطلوب در این زمینه ارائه میگردد.

۱- معافیت از پرداخت هزینه دادرسی در دعاوی مدنی

یکی از مواردی که مقنن، در زمینه حمایت‌های مالی در خصوص افراد دارای معلولیت در طرح دعوی مدنی پیشبینی نموده، در نظر گرفتن معافیت برای برخی از افراد مذکور برای طرح دعوا در محاکم است. در همین زمینه، تبصره ماده ۵۰۵ قانون آیین

^۲- اصل ۳۴ قانون اساسی: دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع نماید. همه

افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه ها را در دسترس داشته باشند و هیچکس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی اشعار میدارد: (مددجویان کمیته امداد و مستمری بگیران سازمان بهزیستی از پرداخت هزینه دادرسی معاف میباشند). بنا بر این چنانچه مددجویان بهزیستی که به آنها مستمری پرداخت میشود قصد طرح دعوی مدنی داشته باشند از پرداخت هزینه دادرسی معاف میباشند که میتوانند از این حق خود با ارائه معرفی نامه از سازمان بهزیستی استفاده نمایند. چراکه کلیه مددجویان کمیته امداد را به همراه صرفا مستمری بگیران سازمان بهزیستی از پرداخت هزینه دادرسی معاف دانسته است. نقد تبصره به همراه تبعات و پیامدهای آن در ادامه، بررسی میگردد. نکته این که به عنوان نقطه قوت وضعیت کنونی قبل از ورود به انتقادات نسبت به این تبصره باید بیان کنیم آن است که بر اساس قانون تفسیر ماده ۵۰۵ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۹۶/۸/۳ شامل هزینه دادرسی مربوط به دعاوی مطروحه در شوراهای حل اختلاف نیز میباشد و مددجویان کمیته امداد و مستمری بگیران بهزیستی، از پرداخت هزینه دادرسی برای طرح دعوا در شورای حل اختلاف نیز معاف میباشند که به نوبه خود میتواند نقطه قوتی در این زمینه محسوب گردد.

۱-۱- آسیب شناسی حکم تبصره ماده ۵۰۵ قانون آیین دادرسی مدنی

با کمی دقت در ماده مذکور درمییابیم مقنن در این ماده تبعیض فاحشی را به کار برده است. چراکه کلیه مددجویان کمیته امداد و صرفا آن دسته از مددجویان مستمری بگیر سازمان بهزیستی که شامل معلولان هم میشود از پرداخت هزینه دادرسی معاف دانسته شده اند. چنانچه از این حکم مقنن که کلیه مشمولین کمیته امداد و صرفا مستمری بگیران بهزیستی را از پرداخت هزینه دادرسی معاف دانسته دریابیم که دلیل مقنن برای معاف دانستن گروههای مذکور انتخاب و برشمردن افراد نیازمند و غیر متمکن بوده است؛ چراکه مددجویان سازمان بهزیستی به دلایل معلولیت آسیبهایی اجتماعی به عضویت این سازمان در آمده اند و به دو دسته مددجویان متمکن و غیر متمکن تقسیم میشوند و در میان آنها افراد متمکن یا لا اقل افراد با شرایط عادی زندگی به لحاظ مالی نیز وجود دارند که مانند سایر افراد جامعه، توان پرداخت هزینه دادرسی را دارند و فرض مقنن این بوده که صرفا مددجویان نیازمند و غیر متمکن بهزیستی از مستمری برخوردار میباشند و همین امر باعث مقید نمودن مددجویان سازمان بهزیستی به قید مستمری بگیری شده است. ولی همین نگرش با پیشفرض مذکور، دارای نقدها و ایراداتی میباشد که به شرح ذیل تبیین میگردد.

۱- با اندکی بررسی درمییابیم همه افراد تحت پوشش نیازمند سازمان بهزیستی در لیست مستمری بگیری قرار نمیگیرند بلکه با توجه به منابع مالی محدود سازمان مذکور تنها بخشی از آنها امکان دریافت مستمری بسیار ناچیز آن سازمان را دارند و چنانچه ما نیازمندی را دلیل معافیت از هزینه دادرسی بدانیم حق زیادی از افراد غیر متمکن مالی سازمان بهزیستی که صرفا به دلیل عدم کفاف منابع مالی سازمانی، مستمری دریافت نمیکند، ضایع گردیده است؛ چراکه از یک سو توان و امکان پرداخت مستمری به این افراد از طرف سازمان متولی امر وجود ندارد که باید با تخصیص منابع مالی بیشتر از طریق قانون گذار این مشکل در آینده رفع گردد و از سوی دیگر ما آنها را از معافیت هزینه دادرسی نیز به دلیل عدم دریافت مستمری محروم نموده ایم که همین مسأله میتواند نوعی دور فاسد باشد و صرفا به تضییع حقوق برخی از افراد ذیحق و نیازمند، منجر گردد.

۲- ممکن است در میان معلولان افرادی نیز باشند که نیازمند دریافت مستمری از سازمان بهزیستی نیستند ولی به جهت بالا بودن هزینه دادرسی به خصوص در مواردی که بهای خواسته زیاد باشد، توان پرداخت هزینه دادرسی را ندارند و برای برخورداری از معافیت از هزینه دادرسی، باعث میشود به طرق مختلف خود را جز مستمری بگیران یا حد اقل در نوبت مستمری قرار دهند تا بتوانند از مزایای آن بهره مند گردند که همین امر (بهره مندی از معافیت از هزینه دادرسی) باعث افزایش متقاضیان برای اخذ مستمری میگردد و این مساله نیز به نوبه خود باعث ایجاد مشکلات عدیده ای برای سازمان بهزیستی میگردد. چراکه با وجود محدودیت های مالی، پرداخت مستمری به افراد غیر نیازمند، آن هم صرفا به دلیل آنکه بتوانند از مزیای مستمری بگیری (و نه به دلیل نیاز به مبلغ مستمری)، بهره مند گردند منطقی و معقول به نظر نمیرسد.

۲-۱- ارائه الگوی مطلوب مشمولین معافیت از پرداخت هزینه دادرسی در دعاوی مدنی

مبتنی بر آسیب‌شناسی صورت گرفته در تبصره مورد اشاره، پیشنهاداتی به شرح ذیل ارائه می‌گردد.

با توجه به نقایص موجود، پیشنهاد می‌گردد مقنن با اصلاح این تبصره (تبصره ماده ۵۰۵ قانون آیین دادرسی مدنی) تشخیص نیازمندی افراد را به عهده سازمان بهزیستی قرار دهد و قید نیازمندان واجد شرایط را جایگزین مستمری بگیران نماید. مانند ماده ۹ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۹۶ که مقرر کرده است (افراد نیازمند واجد شرایط می‌توانند با معرفی سازمان بهزیستی از آموزش رایگان بهره‌مند گردند). در این تبصره نیز می‌بایست مشابه همان قانون مقرر گردد و قید مستمری بگیر به عنوان شرط برخورداری از معافیت از پرداخت هزینه دادرسی حذف گردیده و تشخیص استحقاق یا عدم استحقاق آنها نسبت به معافیت از پرداخت هزینه دادرسی به کارشناسان و مددکاران سازمان بهزیستی واگذار گردد. به عبارت بهتر، باید قانونی منعطف وضع شود تا هوشمند سازی قانون در راستای احقاق هرچه دقیقتر حقوق افراد صورت گیرد.

دومین پیشنهادی که مبتنی بر نظم کنونی می‌توان در راستای مطلوب سازی معافیت افراد دارای معلولیت از پرداخت هزینه دادرسی مطرح نمود، در نظر گرفتن معافیت مشروط از پرداخت هزینه دادرسی برای افراد دارای معلولیت است؛ بدین گونه که افراد دارای معلولیت، در زمان طرح دعوا، از پرداخت هزینه دادرسی معاف باشند و پس از رسیدگی پرونده، چنانچه در فرض اول، رأی به نفع فرد معلول صادر گردد، پرداخت هزینه دادرسی نیز به عهده وی قرار گیرد چراکه در این وضعیت (در صورت صدور رأی به نفع خواهان که در اینجا به دلیل معلولیت، از پرداخت هزینه دادرسی معاف است) امکان مطالبه کلیه خسارات وارده در دعوا از جمله هزینه دادرسی، از محکوم علیه، وجود دارد و در مانحن فیه، فرد معلولی که از پرداخت هزینه دادرسی معاف بوده و به دلیل محکوم له بودن، امکان مطالبه آن را از محکوم علیه دارد مکلف شود آن را مطالبه کرده و به دولت پرداخت نماید تا حقی از بیت المال نیز تضییع نگردد و حتی می‌توان از محل این پرداختیها، مبالغی را در راستای حمایت قضایی از افراد معلول در نظر گرفت. و در فرض دوم که فرد معلول که خواهان دعوا است در این دعوا برنده نشود از پرداخت هزینه دادرسی معاف دانسته شود.

سومین پیشنهادی که در خصوص حکم تبصره ماده ۵۰۵ قانون آیین دادرسی مدنی می‌توان مطرح نمود، ذکر (افراد دارای معلولیت) در این تبصره و حذف قید (مستمری بگیر) از این افراد برای بهره‌مندی از معافیت از پرداخت هزینه دادرسی می‌باشد. به عبارت دقیقتر قانون‌گذار بر اساس قاعده تبعیض مثبت، صراحتاً کلیه افراد دارای معلولیت را به دلیل متحمل شدن هزینه‌های ناشی از معلولیت، از پرداخت هزینه دادرسی معاف بداند که مستلزم اصلاح تبصره مورد بررسی می‌باشد.

البته در نظم حقوقی کنونی نیز آن دسته از معلولانی که معاف از پرداخت هزینه دادرسی نبوده ولی قادر به پرداخت این هزینه نیستند نیز مانند سایر افراد جامعه می‌توانند طبق مواد ۵۰۴ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی، با طرح دادخواست اعثار از پرداخت هزینه دادرسی، عدم توانایی خود را نسبت به انجام این موضوع به دادگاه رسیدگی کننده پرونده اعلام نموده و چنانچه دادگاه، ادعای مطروحه را صحیح تشخیص داد شخص، بنا به شرایط، موقتاً یا دائماً از پرداخت هزینه دادرسی معاف دانسته می‌شود.

۲- معافیت از پرداخت هزینه دادرسی در دعاوی مربوط به قانون حمایت خانواده

تبصره ماده ۵ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ کلیه مددجویان سازمان بهزیستی و کمیته امداد را از پرداخت هزینه دادرسی در امور مربوط به قانون مذکور معاف دانسته است. قانون فوق‌الذکر را با تمرکز بر اینکه معلولان نیز یکی از گروه‌های مددجوی بهزیستی هستند در ادامه تحلیل و بررسی مینماییم. ولی پیش از این باید به بررسی رابطه میان تبصره ماده ۵ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ و تبصره ماده ۵۰۵ قانون مدنی (الحاقی ۱۳۹۴/۱۲/۱۸) بپردازیم که مورد اول کلیه مددجویان را از پرداخت هزینه دادرسی معاف دانسته است و مورد دوم، صرفاً مددجویان مستمری بگیر بهزیستی را از پرداخت هزینه دادرسی معاف دانسته است. ممکن است این بحث مطرح گردد که با توجه به مؤخر بودن تبصره ماده ۵۰۵ قانون آیین دادرسی مدنی، تبصره ماده ۵ قانون حمایت خانواده نسخ‌ضمنی شده است ولی با مراجعه به قواعد و اصول حقوقی، با توجه به خاص بودن قانون سابق و عام بودن قانون لاحق، خاص سابق، عام لاحق را نسخ نکرده بلکه تخصیص می‌زند (کاتوزیان، ۱۳۷۵). بنا بر این در دعاوی

مرتبط با خانواده، تبصره ماده ۵ قانون خانواده راجع به معافیت مددجویان بهزیستی حاکم است و در سایر دعاوی مدنی، تبصره ماده ۵۰۵ قانون آیین دادرسی مدنی لازم الاجرا می باشد.

۲-۱- آسیب شناسی تبصره ماده ۵ قانون حمایت خانواده

همانطور که قبلاً ذکر شد تمام مددجویان سازمان بهزیستی مانند مددجویان کمیته امداد دچار عدم تمکن مالی نیستند تا توان پرداخت هزینه دادرسی را نداشته باشند به تبع آنها، کلیه افراد دارای معلولیت که بخشی از مددجویان بهزیستی هستند نیز جزء افراد غیر متمکن و نیازمند نیستند و لذا مقنن با نگاهی که به وضع تبصره ماده ۵۰۵ قانون آیین دادرسی مدنی داشت میتوانست قید نیازمند واجد شرایط را به مددجویان سازمان بهزیستی اضافه نماید و تشخیص این امر را به عهده سازمان متولی امور این افراد، قرار دهد و این مزیت را به تمام افراد تعمیم ندهد. زیرا چنانچه در بعد معافیت از پرداخت هزینه دادرسی گروهی را که نیازمند نیستند را مشمول قوانین حمایتی بدانیم، ممکن است منجر به بی عدالتی و تضییع حقوق بیت المال شود.

از نگاهی دیگر میتوان اینگونه استدلال کرد که از بعد حمایتی نسبت به افراد دارای معلولیت این مزیت برای تمام مددجویان بهزیستی از جمله افراد معلول در نظر گرفته شده تا دولت به این نحو، بخشی از هزینه های ناشی از معلولیت را که بر افراد معلول تحمیل میشود جبران نماید. چراکه صرف معلولیت برای آنها ایجاد هزینه های مالی چه به صورت مستقیم و چه غیر مستقیم مینماید که دولت موظف به جبران آنها به طرق گوناگون میباشد. از این حیث، کلیه افراد دارای معلولیت صرفاً به دلیل معلولیت، مشمول این معافیت شده اند.

طرح پرونده های خانوادگی در دادگاه های خانواده و انجام مراحل آن، مستلزم شرکت طرفین در جلسات مشاوره میباشد و این اقدامات نیز هزینه هایی به همراه دارد. در حالی که طبق حکم مندرج در تبصره ماده ۵ قانون حمایت از خانواده، مددجویان کمیته امداد و سازمان بهزیستی صرفاً از هزینه دادرسی معاف دانسته شده اند. نکته مهمی که با دقت در متن ماده و تبصره آن قابل توجه میباشد آن است که در ماده پنج، برای کلیه افراد واجد شرایط (بدون قید مددجوی نهادهای حمایتی بودن) امکان معافیت از هزینه های دادرسی، هزینه های کارشناسی، داوری و سایر هزینه ها وجود دارد و هزینه های مشاوره در این ماده ذکر نشده است. آنچه از ظاهر ماده برداشت میگردد آن است که هزینه های مربوط به مشاوره، جزء موارد تمثیلی مندرج در ماده پنج قانون حمایت خانواده قرار نگرفته و مشمول معافیت نمیشوند. ولی با دقت در موارد مذکور در ماده پنج قانون فوق الذکر میتوان اینگونه استدلال نمود که با توجه به اینکه هزینه های کارشناسی و داوری هم در کنار هزینه های دادرسی ذکر شده و هزینه های مشاوره هم جزء فرایند دادرسی پرونده های مرتبط با خانواده محسوب میگردد و انجام این مرحله نیز مستلزم پرداخت هزینه هایی میباشد همچنین موارد مندرج در ماده مذکور، تمثیلی بوده و فاقد جنبه حصری است لذا مشمول معافیت مندرج در ماده ۵ قانون حمایت خانواده میگردد و هر کدام از افراد جامعه که در جریان پرونده مرتبط با دعاوی خانواده، فاقد تمکن مالی برای پرداخت هزینه های دادرسی، داوری، کارشناسی و مشاوره هستند از پرداخت هزینه های مربوطه نیز معاف میشوند. آنچه در این ماده و تبصره آن قابل تأمل بوده و به نوعی باعث ایجاد تبعیض فاحش گردیده است آن است که سایر افراد جامعه که مددجویان بهزیستی نیستند امکان معافیت از پرداخت هزینه های دادرسی، داوری، کارشناسی و سایر هزینه ها برای آنها پیشبینی شده است در حالی که مددجویان بهزیستی و از جمله افراد دارای معلولیت، صرفاً از پرداخت هزینه دادرسی معاف دانسته شده اند که این نکته به عنوان ایراد جدی در این ماده محسوب میگردد. البته چون مددجویان بهزیستی مشمول حکم عام ماده پنج هستند میتوانند عدم تمکن مالی خود را برای معافیت از هزینه های کارشناسی، داوری و... اثبات نمایند تا مشمول معافیت از پرداخت سایر هزینه ها نیز گردند ولی به عنوان مددجوی سازمان بهزیستی، صرفاً از پرداخت هزینه دادرسی معاف هستند و معافیتی برای پرداخت سایر هزینه ها برای آنها به صرف مددجو بودن در نظر گرفته نشده است.

۲-۲- الگوی مطلوب معافیت معلولان از هزینه های مربوط به دعاوی خانواده

با توجه به آسیب‌هایی که قبلاً راجع به این تبصره (تبصره ماده ۵ قانون حمایت خانواده) بیان شد، پیشنهاد می‌گردد در دو مورد بالا اگر تنها مددجویان نیازمند، از پرداخت هزینه دادرسی به طور مشروط، معاف دانسته شوند و تشخیص نیازمندی را به سازمان بهزیستی واگذار کنیم به نتیجه بهتری دست خواهیم یافت. البته منظور از معافیت مشروط هم این است که چنانچه فرد تحت پوشش سازمان بهزیستی در آن پرونده برنده شد و امکان دریافت هزینه های دادرسی از طرف مقابل، برایش فراهم آمد، کلیه هزینه های معاف شده را پرداخت نماید و در غیر این صورت نیازی به پرداخت آن هزینه ها نمیباشد. مانند حکمی که در ماده ۵ قانون حمایت خانواده برای کلیه افراد وجود داشته و دادگاه میتواند پرداخت هزینه های مربوط را موکول به زمان اجرای حکم موکول نماید.

اصلاح تبصره ماده پنج قانون حمایت خانواده: پیشنهاد می‌گردد با توجه به اشکالاتی که قبلاً بیان شد تبصره ماده پنج قانون حمایت خانواده اصلاح شده و به جای (هزینه های دادرسی) از (کلیه هزینه های مندرج در این ماده) به عنوان جایگزین آن استفاده شود تا هدف مقنن در وضع برای ایجاد تبعیض مثبت نسبت به افراد دارای معلولیت بیشتر محقق گردد.

۳- معافیت از توقیف مستمری

با توجه به اینکه در تبصره ۲ ماده ۹۶ قانون اجرای احکام مدنی اصلاحی سال ۱۳۹۴ حقوق و مزایای همه افراد به نسبت‌های متفاوت با توجه به داشتن یا نداشتن همسر، قابل توقیف دانسته شده است ولی در تبصره ۲ آن ماده مستمری افراد تحت پوشش سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی را از توقیف معاف دانسته است، در ابتدای امر، مستمری را میتوان با دو تفسیر مورد بررسی و ارزیابی قرار داد:

۳-۱- تفسیر مضیق

بر طبق این تفسیر تنها مبلغی که تحت عنوان (مستمری) از طرف سازمان بهزیستی به مددجویان پرداخت میشود به عنوان مستمری محسوب شده و صرفاً همان پرداختی، از توقیف معاف دانسته شده است که در این زمینه نیز مشکلاتی که قبلاً بیان شد از جمله: نیازمند نبودن برخی مستمری بگیران بهزیستی، عدم پرداخت مستمری به همه واجدین شرایط و... میتواند به وجود آید. به علاوه اینکه ممکن است مددجوی سازمان بهزیستی که مستمری نیز دریافت نمیکند بلکه پس از تلاش و زحمت خود در زمان بازنشستگی، حقوق ناچیزی را به عنوان مستمری بازنشستگی یا مستمری از کار افتادگی کسب مینمایند تا آن را صرف هزینه ها و مخارج خانواده و حتی هزینه های تحمیل شده به خاطر معلولیت خود نمایند به هر دلیل همسان با دیگر افراد غیر مددجو، بخشی از درآمدش قابل توقیف باشد که این مورد نیز با مفاهیم مرتبط با عدالت واقعی و تبعیض مثبت منافات دارد. چراکه هر فرد صرفاً به دلیل معلولیت مستحق بهره مندی از تبعیضات مثبت در جامعه است که باید به اشکال مختلف، در قوانین، پیشبینی گردد.

۳-۲- تفسیر موسع

طبق این تفسیر مستمری شامل کلیه وجوه و حقوقی میباشد که مددجویان سازمان بهزیستی از جمله افراد دارای معلولیت، از هر نهاد و سازمانی تحت عنوان مستمری به صورت مداوم، دریافت مینمایند. در صورتی که بر اساس قاعده تبعیض روا، این تفسیر را مبنای کار قرار دهیم مستمری افراد دارای معلولیت از جمله مستمری بازنشستگی، از کار افتادگی و... مشمول حکم مندرج در تبصره ۲ ماده ۹۶ قانون اجرای احکام میگردد. در این صورت، صرفاً مستمری ناچیزی که توسط سازمان بهزیستی به مددجویان فاقد شغل پرداخت میشود از توقیف توسط دادگاه مستثنا نبوده بلکه امکان توقیف هرگونه مستمری افراد دارای معلولیت وجود نخواهد داشت. در ظاهر در نظر گرفتن این تفسیر و در نتیجه آن اتخاذ این رویه در محاکم قضایی، باعث ایجاد نابرابری میگردد ولی با دقت در مبنای ایجاد این تبعیض، که همان ایجاد برابری واقعی و در اصل کاهش نابرابری در جامعه است

و برای حمایت در برابر تحمیل هزینه های ناشی از معلولیت بر فرد معلول، در نظر گرفته شده است در میبایم که نه تنها این اقدام باعث تبعیض و نابرابری نمیگردد بلکه به تدریج از نابرابریهای موجود جامعه نیز میکاهد.

۳-۳- الگوی مطلوب ممنوعیت توقیف مستمری افراد دارای معلولیت

مبتنی بر آسیب شناسی صورت گرفته راجع به تبصره ۲ ماده ۹۶ قانون اجرای احکام مدنی، باید راه میانه ای در نظر گرفته شود. راهی که میتواند قانون گزار را به هدفش نزدیکتر نماید و کمترین تضییع حقوق برای افراد را به بار آورد، مستلزم دو فرایند است؛ اولاً باید تفسیر موسع از واژه (مستمری) مندرج در تبصره ۲ ماده ۹۶ قانون اجرای احکام البته صرفاً برای معلولان شدید و بسیار شدید در نظر گرفته شود تا شامل انواع مستمری هایی که به هر دلیلی فرد معلول دریافت مینماید اعم از مستمری از کار افتادگی، بازنشستگی و... بشود؛ چراکه این دسته از افراد معلول، فارغ از هزینه هایی که به عهده سایر افراد جامعه قرار میگیرد متحمل هزینه های ناشی از معلولیت خود نیز میباشند که مقتضی است دولت، حمایتی لازم را در این زمینه از این افراد انجام دهد. ثانیاً باز گذاشتن دست سازمان متولی امور معلولان برای تشخیص این امر که حقوق و مستمری کدام یک از افراد دارای معلولیت شدید و بسیار شدید باید از توقیف معاف باشد و این مسأله را منوط و مشروط به معرفی افراد واجد شرایط توسط سازمان مذکور بدانیم نیز به تحقق هدف وضع این قانون، کمک شایانی نموده ایم. چراکه سازمان متولی امور افراد دارای معلولیت میتواند از طریق بازدیدهای محلی و تحقیقات دقیق خود، متوجه لزوم یا عدم لزوم توقیف حقوق افراد گردد. البته برای انجام بهتر امور توسط این سازمان و دستیابی به مقصود، باید اقدام مهم زیرساختی صورت گیرد و آن، امکان دسترسی سامانه های سازمان بهزیستی به اطلاعات مربوط به دارایی و حقوق مددجویان خود میباشد. در غیر این صورت به عنوان روش جایگزین، مراجع ذیصلاح که این اطلاعات را دارند مکلف به پاسخگویی سریع به استعلامهای سازمان بهزیستی باشند تا بررسی های سازمان متولی امور معلولان نیز بتواند دقیق و مستند انجام شده و از تضییع حقی از مددجو یا هر فرد ذیحق دیگری جلوگیری شود. به عنوان مثال، برخی از معلولان، به دلیل معلولیت خود میبایست ماهانه مبالغی را صرف درمان خود نمایند و یا برخی از آنها متحمل پرداخت هزینه های ناشی از معلولیت خود میگردند که اگر قانون گذار، استثنایی برای این افراد در زمینه ممنوعیت توقیف مستمری آنها قائل شود دقیقاً باعث ایجاد تبعیض در جامعه میگردد. بنا بر این باید سازوکاری اندیشیده شود تا هر فرد دقیقاً متناسب با وضعیت و شرایط خود از مزایایی بهره مند یا از آن محروم گردد و تساوی همه افراد در اجرای یک قاعده عام بدون توجه به وضعیتهای متفاوت نمیتواند نتیجه کارآمدی را داشته باشد.

۴- معافیت از پرداخت هزینه دادرسی برای معلولان در شکایات کیفری و ارائه الگوی مطلوب

۴-۱- وضعیت کنونی افراد دارای معلولیت در پرداخت هزینه دادرسی شکایات کیفری

بر اساس ماده ۵۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری، طرح شکایت در مراجع کیفری مستلزم پرداخت هزینه دادرسی میباشد و شاکی برای شکایت به عنوان یکی از مراحل، باید آن را پرداخت نماید. البته، در ادامه ماده، تکلیف افرادی که تمکن و توان مالی لازم برای پرداخت این هزینه را نیز ندارند مشخص شده و امکان معافیت از پرداخت هزینه دادرسی برای این دسته افراد را با دستور مقام قضایی ایجاد نموده است. بنا بر این ماده، هیچ کس به دلیل عدم تمکن مالی از طرح شکایت در مراجع کیفری و احقاق حق خود محروم نمیگردد. البته افراد دارای معلولیت نیز چنانچه فاقد تمکن مالی برای پرداخت هزینه دادرسی در مراجع کیفری باشند میتوانند آنرا اثبات نموده و مانند سایر افراد جامعه، با دستور مقام قضایی از پرداخت هزینه دادرسی معاف گردند که مبین اصل تساوی کامل در جامعه بدون رعایت تبعیض مثبت میباشد. البته در اغلب موارد، شکایت در مراجع کیفری، هزینه چندان زیادی نداشته و غیر از مواردی مانند شکایت از صدور چک بلا محل، هزینه دادرسی در شکایات کیفری ثابت و اندک میباشد ولی هم در خصوص هزینه دادرسی ناشی از چک بلا محل و هم در سایر موارد که هزینه ناچیزی به عنوان هزینه دادرسی باید پرداخت

^۳ برای اطلاعات بیشتر در این زمینه به خالقی، علی، (۱۳۹۹)، نکته ها در آیین دادرسی کیفری، انتشارات شهر دانش، چاپ پانزدهم، ۱۳۹۹،

ذیل ماده ۵۵۹ مراجعه نمایید.

شود ممکن است برخی از افراد از جمله افراد دارای معلولیت، به دلیل بیکاری یا سایر موارد، توان پرداخت آن را نداشته باشند که نیازمند اثبات در مراجع قضایی و دستور مقام قضایی جهت معافیت یا تعویق پرداخت هزینه خواهد بود.

۲-۴- ارائه الگوی مطلوب در معافیت معلولان از پرداخت هزینه دادرسی در شکایات کیفری

همانگونه که در وضعیت کنونی قسمت قبل بیان شد، امکان معافیت و یا تعویق پرداخت هزینه دادرسی در مراجع کیفری برای کلیه افراد فاقد تمکن مالی جامعه وجود دارد ولی نیازمند اثبات و صدور دستور مقام قضایی میباشد که این امر، میتواند برای افراد دارای معلولیت به خصوص معلولان شدید و بسیار شدید، ایجاد مشقت نماید. پیشنهاد میگردد با الحاق تبصره ای به ماده ۵۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری، مددجویان بهزیستی فاقد شغل و درآمد که شامل افراد دارای معلولیت بیکار میشود نیز بدون طی تشریفات لازم (اثبات و دستور مقام قضایی) به طور کلی از پرداخت هزینه دادرسی در شکایات کیفری نیز معاف باشند. این امکانسنجی، زمینه شکایت و احقاق حقوق افراد معلول، به ویژه افرادی که به سبب نوع معلولیت خود، بیشتر در معرض آسیب ناشی از جرم و جنایت قرار میگیرند را فراهم میآورد و باعث تحمل رنج ناشی از جنایت و عدم احقاق حق خود به دلیل عدم تمکن مالی در پرداخت هزینه دادرسی و مشقت ناشی از اثبات اعسار خود نمیشوند و از طرف دیگر، باعث ترویج جرم علیه افراد بی پناه به سبب عدم شکایت آنها به دلایل مالی نميگردد.

۵- در نظر گرفتن تخفیف یا معافیت از پرداخت هزینه های داورى برای افراد دارای معلولیت

در نظام قضایی کنونی، یکی از روشهای مؤثر و مهم در حل و فصل اختلافات، داورى می باشد که به دلیل قابل قبول بودن داور برای طرفین، معمولاً حکم صادره توسط داور نیز مقبول طرفین خواهد بود و نظر نهایی داور، مورد پذیرش طرفین میباشد. داورى به فرآیندی اطلاق می شود که طرفین اختلاف به فرد یا افراد ثالثی اختیار و صلاحیت می بخشند که به اختلاف یا اختلافات مورد نظر رسیدگی کرده و همانند قاضی آن ها را فیصله داده و رأی لازم الاجرا صادر نماید.^۴ (شیروی، ۱۳۹۱)

در نظام دادرسی ایران نیز در مواد ۴۵۴ تا ۵۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی، داورى و ضوابط مربوط به آن پیشبینی گردیده است. طبق ماده ۴۹۸ قانون اخیر الذکر، مراجعه به داورى، مستلزم پرداخت هزینه بوده که باید توسط طرفین پرداخت گردد. از طرفی، برخی از افراد دارای معلولیت توان پرداخت هزینه داورى را به دلیل آثار مستقیم یا غیر مستقیم ناشی از معلولیت خود ندارند. البته داور و مؤسسات داورى موضوع این قانون نیز خصوصی بوده و جزء نهادهای حکومتی محسوب نمیشوند که بتوان با وضع قانونی، افراد دارای معلولیت را از پرداخت هزینه های مربوطه معاف دانست. بنا بر این باید وضعیتی را ایجاد نمود تا هم برای افراد دارای معلولیتی که خواهان ارجاع اختلاف خود به داورى هستند و توان پرداخت هزینه را ندارند معافیت و یا تخفیفی برای هزینه داورى در نظر گرفته شود و به نحوی بار مالی این موضوع نیز جبران شود و از طرف دیگر، مؤسسات داورى نیز به دلیل پذیرش پرونده های مرتبط با معلولان متضرر نشوند تا متعاقب آن، به تدریج، از پذیرش پرونده های مرتبط با افراد معلول، خودداری کرده و یا با کیفیت پایین، به رسیدگی بپردازند.

به عنوان الگوی مطلوب در این زمینه میتوان پیشنهاد داد، معلولین نیازمند و فاقد تمکن مالی، از پرداخت هزینه های داورى معاف باشند ولی این هزینه ها یا با مالیاتهای متعلق به داوران یا مؤسسات داورى جبران شده و هزینه داورى که از افراد معلول، گرفته نشده، با مالیات متعلقه به مؤسسه داورى، تحاتر گردد و یا در ردیف بودجه سنواتی ذیل بودجه سازمان بهزیستی قرار گرفته و این سازمان، آن مبلغ را به مؤسسه داورى که طرف قرارداد است پرداخت نماید. اجرای این پیشنهاد، میتواند امکان استفاده کلیه افراد جامعه اعم از متمکن و غیر متمکن را از ظرفیت بالای داورى فراهم نماید و هم با وضع قانونی کارشناسی شده و دقیق، از متضرر شدن دارندگان مؤسسات داورى از این تبعیض مثبت جلوگیری میشود. به تعبیر دیگر، با وضع قانونی به

^۴ - در تعریف دیگری از داورى آمده است که داورى عبارت است از فصل خصومت توسط غیر قاضی و بدون رعایت تشریفات رسمی،

رسیدگی و مراعات آیین های دادرسی رسمی. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶)

نفع افراد دارای معلولیت که مبتنی بر آن این افراد از پرداخت هزینه دادرسی معاف باشند به شرطی که بار مالی آن توسط دولت جبران شده و از جیب اشخاص خصوصی پرداخت نگردد میتواند کارآمد، مؤثر و نتیجه بخش باشد.

نتیجه گیری

یکی از شرایط و اقدامات لازم برای طرح دعوا و شکایت در مراجع قضایی، پرداخت هزینه دادرسی بوده که در دعاوی مدنی، به تناسب میزان خواسته، متفاوت میباشد. قانون گذار در قوانین مربوطه، بر اساس قاعده تبعیض مثبت و در راستای حمایت از

اقتضای کم درآمد و آسیب پذیر جامعه، معافیهایی در زمینه پرداخت هزینه دادرسی برای آنها در نظر گرفته که افراد معلول نیز به عنوان بخشی از مددجویان بهزیستی، مشمول این قوانین میگردند. با نگاهی دقیق به قوانین موجود در این زمینه، در میابیم که خلأها و نواقصی در این زمینه وجود داشته و در راستای نیل به وضعیت مطلوب، باید اصلاحات و اقدامات لازم انجام شود. رویکردی که در این نوشته در نظر گرفته شده، رویکرد متناسب سازی اجرای قوانین مربوطه میباشد که بر اساس آن، گروهی خاص مانند معلولان به طور مطلق از این معافیتها بهره مند نگردند بلکه با هوشمندسازی و متناسب سازی اجرای قوانین، زمینه شمول قوانین حمایتی بر افراد واجد شرایط که توسط نهاد ذیربط و تخصصی بررسی میگردد صورت گیرد. لذا، این که در تبصره ماده ۵۰۵ قانون آیین دادرسی مدنی صرفاً مددجویان مستمری بگیر تحت پوشش بهزیستی و تبصره ماده ۵ قانون حمایت خانواده کلیه مددجویان بهزیستی از پرداخت هزینه دادرسی معاف میباشند نمیتواند باعث ایجاد عدالت واقعی در جامعه و رعایت اصل تبعیض مثبت گردد. چراکه در میان معلولان نیز افرادی هستند که تمکن مالی داشته و مانند سایر افراد جامعه، امکان پرداخت هزینه های دادرسی را دارند و باید تشخیص استحقاق بهره مندی از معافیتها را به عهده سازمان متولی امور معلولان قرار داد که با دسترسی که این سازمان نسبت به دارایی و درآمد واقعی افراد پیدا میکند بتواند نظر کارشناسی دقیقی در این زمینه مطرح نماید تا حقی از کسی و یا حتی بیت المال هم تضییع نگردد.

همچنین باید با اصلاح قانون و هدایت رویه قضایی به این سمت، هزینه هایی مانند داور، کارشناسی، و حتی هزینه مشاوره که باید در جریان پرونده های مرتبط با خانواده و یا سایر پرونده های حقوقی پرداخت شود نیز برای افراد دارای معلولیت واجد شرایط، به صرف معلولیت و بدون نیاز به طرح دعوای اعصار، معاف قرار داده شود و اینگونه هزینه ها نیز جزء مفهوم وسیع هزینه دادرسی قرار گیرد.

یکی دیگر از مواردی که در راستای حمایت مالی از افراد دارای معلولیت توسط مراجع قضایی باید بیان نمود، در نظر گرفتن معافیت از پرداخت هزینه های دادرسی در طرح شکایات کیفری برای این افراد میباشد که البته این معافیت پس از اثبات عدم تمکن مالی و با دستور مقام قضایی برای کلیه افراد امکان پذیر شده است ولی پیشنهاد میگردد جهت جلوگیری از ایجاد مشقت برای افراد دارای معلولیت و در راستای حمایت از این افراد، افراد معلول فاقد درآمد و شغل، از پرداخت هزینه دادرسی در دعاوی کیفری معاف باشند. اجرای این پیشنهاد، به ویژه میتواند برای افراد معلولی مانند معلولین ذهنی که به دلیل نوع خاص معلولیتشان بیشتر ممکن است مورد جرم و جنایت واقع شوند و امکان پرداخت هزینه های دادرسی و سایر هزینه های مربوطه را نداشته و اثبات عدم تمکن مالی نیز برای آنها با دشواری زیاد همراه است، دارای نتیجه مطلوب و مؤثری خواهد بود.

به علاوه، با وجود ویژگیهای مثبت طرح پرونده نزد داور و حل اختلافات به صورت داور، باید سازوکار قانونی در نظر گرفته شود تا هم کلیه افراد معلول بتوانند اختلافات خود را توسط داور حل نمایند و به دلیل عدم تمکن مالی، از طرح پرونده نزد مؤسسات داورى منصرف نگردند و از طرف دیگر دولت هزینه داورى افراد معلول غیر متمکن را به نحوی پرداخت نماید و از مؤسسات داورى و داوران، انتظار از خود گذشتگی و ایثار و تخفیف و بخشودگی هزینه های مربوطه و یا عدم اخذ حق الزحمه متعلق به خود را نداشته باشد. به عنوان مثال این هزینه ها میتواند با مالیات متعلق به مؤسسات تحاتر شده و یا پس از پیشبینی بودجه مربوط به آن در قوانین بودجه سالانه، این هزینه، توسط سازمان متولی امور معلولان به مؤسسه داورى پرداخت گردد.



19th International Conference on

Legal and Judicial Studies

Event Place: Tbilisi, Georgia

www.ljssnet.ir

نوزدهمین کنفرانس بین المللی

مطالعات حقوقی و قضایی | گرجستان



19th International Conference on Legal and Judicial Studies

مطالعات حقوقی و قضایی

۴- آبان ماه ۱۴۰۲

منابع:

فکوهی، ناصر، سازوکار تبعیض مثبت به مثابه ابزار محرومیت زدایی با نگاهی به موقعیت زنان در ایران، مجله پژوهش زنان، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۹۴.

خالقی، علی، ۱۳۹۹، نکته ها در آیین دادرسی کیفری، انتشارات شهر دانش، چاپ پانزدهم، تهران.

کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۵، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا، تهران.

زرگوش نسب، عبدالجبار، نظریه، حمزه، نظریه، صمصامی، نادیا (۱۴۰۲)، بازجستی در مشروعیت هزینه دادرسی، دوره ۲۸، شماره ۱۰۳، ۱۴۰۲.

شیروی، عبدالحسین، ۱۳۹۱، داوری تجاری بین المللی، چاپ ۱، سمت، تهران.

جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۸۶، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، تهران.

Pathology of the legal system governing positive discrimination in benefiting the disabled from exemptions related to financial affairs in Iran's judicial courts and providing a desirable model

Masood Hasanabady

Graduated with a doctorate in public law from Tehran University

Abstract

One of the important topics in legal cases in judicial courts is the issue of payment of legal fees, which is different compared to the amount of the requested price. On the other hand, the exemption of some groups of society from paying court fees has also been considered as positive discrimination by legislators. Disabled people, as a group of welfare applicants, are exempted from paying legal fees despite some conditions. Following the pathology of the current laws, the conducted researches showed that the relevant current laws have flaws, such as the existence of a requirement to get a pension to exempt the disabled from paying legal fees, their lack of discounts or exemptions from paying expert fees, counseling, etc... and also the fact that disabled people do not have the right to pay arbitration fees, which does not fulfill the purpose of the legislator, and a kind of unfair discrimination has been created in this field. Therefore, there are suggestions to amend the existing laws, including referring to the opinion of the welfare expert in the field of the individual's entitlement to exemption, exempting disabled people from costs related to lawsuits, considering exemption or discount in arbitration fees for them.

Key words: judicial system, people with disabilities, legal fees, exemption.